اختصاصی خراسان

سرکرده باند «زندانی بندِباز» بود

کلاهبرداری با چک کارتن خواب ها!

سید خلیل سجادپور - اعضای یک باند حرفه ای و سابقه دار که با دسته چک معتادان کارتن خواب به کلاهبرداری گسترده در مشهد ادامه می دادند در حالی با دستورات ویژه قضایی و تلاش نیروهای کلانتری نجفی دستگیر شدند که بررسی ها نشان داد سرکردگان باند از «زندانیان بندباز» هستند و طعمه های خود را از طریق آگهی های فضای مجازی به دام می انداختند!

به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، ماجرای کلاهبرداری های این باند هنگامی در مشهد لو رفت که جوانی به نام «ق» آگهی فروش لوازم و اموال فروشگاه عرضه محصولات فرهنگی خود را در «سایت دیوار» به ثبت رساند تا تغییر شغل بدهد! در این هنگام مردی با شماره تلفن متصدی فروشگاه تماس گرفت و ادعا کرد همه دستگاه ها، فیلم ها و اموال مربوط به محصولات فرهنگی را یک جا خریدار است و سپس از فروشنده خواست تا آگهی فروش را در سایت دیوار پاک کند. ساعتی بعد ۴ نفر از دو خودروی پراید و یک دستگاه وانت پیکان در خیابان پایداری پیاده شدند و برای خرید اموال نزد متصدی فروشگاه محصولات فرهنگی رفتند. آن ها پس از بررسی اجناس به توافق رسیدند و فردی که خود را خریدار معرفی می کرد چکی به مبلغ ۵۰ میلیون تومان را نوشت و به فروشنده داد، اما «ق» هر چه اصرار کرد تا چک را در سیستم بانکی به تایید برساند، فایده ای نداشت. در همین حال ۳ مردی که همراه خریدار بودند به فروشنده اطمینان دادند که خریدار مرد مورد اعتمادی است و چک به خاطر اختلال اینترنتی تایید نمی شود. آن ها سپس پیشنهاد کردند که «خریدار» دست نوشته ای به متصدی فروشگاه بدهد تا در صورتی که به هر نحوی چک مذکور قابل وصول نبود کلیه اموال به فروشنده بازگردانده شود!

گزارش روزنامه خراسان حاکی است، این گونه بود که فروشنده رضایت داد و ۴ مرد مذکور اموال را به خودروها منتقل کردند و به راه افتادند، اما دلشوره عجیبی وجود فروشنده را فرا گرفت و او که همچنان به خریداران مشکوک بود به طور مخفیانه سوار خودرواش شد و راننده پیکان وانت را تعقیب کرد که رفت که جوانی به نام «ق» آگهی فروش لوازم و اموال فروشگاه عرضه محصولات فرهنگی خود را در «سایت دیوار» به ثبت رساند تا تغییر شغل بدهد! در این هنگام مردی با شماره تلفن متصدی فروشگاه تماس گرفت و ادعا کرد همه دستگاه ها، فیلم ها و اموال مربوط به محصولات فرهنگی را یک جا خریدار است و سپس از فروشنده خواست تا آگهی فروش را در سایت دیوار پاک کند. ساعتی بعد ۴ نفر از دو خودروی پراید و یک دستگاه وانت پیکان در خیابان پایداری پیاده شدند و برای خرید اموال نزد متصدی فروشگاه محصولات فرهنگی رفتند. آن ها پس از بررسی اجناس به توافق رسیدند و فردی که خود را خریدار معرفی می کرد چکی به مبلغ ۵۰ میلیون تومان را نوشت و به فروشنده داد، اما «ق» هر چه اصرار کرد تا چک را در سیستم بانکی به تایید برساند، فایده ای نداشت. در همین حال ۳ مردی که همراه خریدار بودند به فروشنده اطمینان دادند که خریدار مرد مورد اعتمادی است و چک به خاطر اختلال اینترنتی تایید نمی شود. آن ها سپس پیشنهاد کردند که «خریدار» دست نوشته ای به متصدی فروشگاه بدهد تا در صورتی که به هر نحوی چک مذکور قابل وصول نبود کلیه اموال به فروشنده بازگردانده شود!

گزارش روزنامه خراسان حاکی است، این گونه بود که فروشنده رضایت داد و ۴ مرد مذکور اموال را به خودروها منتقل کردند و به راه افتادند، اما دلشوره عجیبی وجود فروشنده را فرا گرفت و او که همچنان به خریداران مشکوک بود به طور مخفیانه سوار خودرواش شد و راننده پیکان وانت را تعقیب کرد که بخشی از لوازم در قسمت بار پیکان وانت حمل می شد ولی در طول مسیر ناگهان راننده وانت متوجه تعقیب خودرو شد و با عبور از کوچه پس کوچه های «رضاشهر» بر سرعت خودرو افزود تا فروشنده کالاها را از تعقیب باز دارد. حالا دیگر «ق» بیشتر از قبل به این ماجرا مشکوک شده بود و دلهره اش هر لحظه بیشتر می شد. دقایقی بعد و در حالی که او چشم از وانت برنمی داشت فردی با تلفن همراهش تماس گرفت و با بیان این که خریدار لوازم محصولات فرهنگی است، مدعی شد گوشی تلفن همراهش را در فروشگاه وی جا گذاشته است و سپس از «ق» خواست به فروشگاه بازگردد و گوشی او را تحویل بدهد! ولی «ق» که یقین داشت همه این ها نقشه ای زیرکانه برای فریب اوست تا از تعقیب وانت دست بردارد، کلید قطع تماس را فشار داد و در یک لحظه با سرعت مقابل پیکان وانت پیچید و در حالی که با پلیس ۱۱۰ تماس می گرفت از خودرو بیرون آمد و با راننده مذکور درگیر شد. چند دقیقه بعد افسران گشت کلانتری نجفی از راه رسیدند و با شنیدن ماجرا، راننده را به همراه اموال فروشگاه به کلانتری هدایت کردند. راننده وانت که ابتدا اصرار داشت فقط راننده ای است که بارهای خریداری شده را اقرار بود به مقصد برساند پس از دقایقی بازجویی های فنی گفت: زندانی «بندباز» بودم ولی وانتی خریدم تا با آن کار کنم. امروز هم یکی از زندانیان که او نیز هم اکنون در «بندباز» تحمل کیفر می کند از من خواست تا باری را برایش از خیابان پایداری به خیابان آیت ا... عبادی ببرم! البته این دومین بار بود که «مهدی-ق» چنین تقاضایی داشت چرا که قبلا نیز بار روغن موتور و ضدیخ ها را از یک نمایندگی فروش برایش انتقال داده بودم! براساس گزارش روزنامه خراسان، با اطلاعاتی که «کاظم» (راننده وانت) در اختیار افسران دایره تجسس گذاشت، عملیات شناسایی، «مهدی-ق» و همچنین فروشنده روغن موتورها با صدور دستوری ویژه از سوی سرهنگ مهدی کسروی (رئیس کلانتری نجفی مشهد) آغاز شد.

همزمان با انتقال «مهدی-ق» به کلانتری، متصدی و نمایندگی فروش روغن موتورها نیز در مرکز انتظامی حضور یافت و با شناسایی «کاظم» (راننده) گفت: این متهم «کاظم» به همراه فرد دیگری و با شیوه ای متقلبانه مقدار زیادی روغن موتور و ضدیخ از من خریداری کردند و مبلغ ۱۲۸ میلیون تومان آن را چک دادند، اما از آن جایی که فرد همراه وی قبلا نیز «مهدی-و» از من خواست برای انتقال کالا، فردی مطمئن را به او معرفی کنم که من هم «کاظم» را به او معرفی کردم ولی او از من خواست تا برای انتقال لوازم و محصولات فرهنگی به او کمک کنم! به این دلیل من هم با آن ها همراه شدم و بعد از بارگیری لوازم به «زندان» بازگشتم!

«مهدی-و» نیز که با دستور مقام قضایی به کلانتری احضار شده بود در بازجویی ها گفت: من راننده تاکسی اینترنتی (اسنپ) هستم و قبلا در زمینه فروش محصولات فرهنگی فعالیت می کردم و دستگاهی را به یکی از دوستانم به نام «محمد-س» (خریدار لوازم و اموال در خیابان پایداری) فروخته بودم. امروز هم او از من خواست تا به خیابان پایداری بروم و دستگاه های خریداری شده را تایید کنم که سالم هستند! او سپس مقداری از لوازم را که داخل خودروی من گذاشته بود در بولوارهاشمیه به یک خودروی دیگر انتقال داد و من هم به خانه ام بازگشتم! گزارش روزنامه خراسان حاکی است، در حالی که ردیابی های اطلاعاتی برای دستگیری «محمد-س» ادامه داشت او متوجه بازداشت همدستانش شد و خود را مخفی کرد، اما استعلام های بانکی و بررسی های تخصصی درباره چک ها بیانگر آن بود که صاحبان چک های بلامحل از افراد کارتن خواب در استان های دیگر کشور هستند که دسته چک ۵۰ برگی با آدرس و نشانی های اشتباهی دریافت کرده اند. در همین حال، مالخر روغن های موتور و ضدیخ ها نیز شناسایی شد و با بیان این که مالخری نمی کند به افسران دایره تجسس گفت: فردی خود را نماینده شرکت «ک» معرفی کرد و با شگردی ماهرانه کالاهای مذکور را به مبلغ ۹ میلیون تومان به من فروخت که هنوز مقداری از آن ها در فروشگاه باقی مانده است!

بنابر گزارش روزنامه خراسان، با انتقال بقیه کالاهای مذکور به کلانتری، تلاش نیروهای انتظامی با دستورات ویژه قضایی برای دستگیری متهمان فراری این پرونده در حالی آغاز شده است که متصدی نمایندگی فروش روغن موتور مدعی شد یکی از چک های مذکور توسط «مهدی-ق» (مردزندانی) صادر شده است ولی این متهم در ادامه بازجویی ها فرد دیگری به نام «الف» را لو داد که او نیز از کلاهبرداران حرفه ای و سابقه دار است. با گسترده تر شدن دامنه تحقیقات در این پرونده، بررسی های تخصصی نیروهای انتظامی با بهره گیری از تجربیات سرهنگ احمد نگهبان (فرمانده انتظامی مشهد) وارد مرحله جدیدی شده است و تلاش برای دستگیری دیگر عوامل مرتبط با این باند و همچنین کشف کلاهبرداری های احتمالی دیگر ادامه دارد.

در امتداد تاریکی

هوویی که سنگ صبورم بود!

وقتی پیامک های ارسالی شوهرم را دریک ماجرای اتفاقی دیدم تازه فهمیدم که چه بلایی به سرم آمده است. سقف اتاق دور سرم می چرخید و نمی دانستم که در تمام این روزها با هوویم در دل می کردم و او تنها سنگ صبورم بود...

به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، زن ۳۸ ساله که از شدت گریه چشمانش به سرخی گراییده بود با بیان این که نمی دانم در کجای زندگی مشترک اشتباه کرده ام به مشاور و مددکار اجتماعی کلانتری طبرسی شمالی مشهد گفت: خانواده ام اهل سرخس هستند، اما من در مشهد به دنیا آمدم و تا مقطع دیپلم تحصیل کردم. پدرم مردی کشاورز بود و مادرم را خیلی دوست داشت با وجود این همواره در تصمیم های زندگی پدرم حرف آخر را می زد و نمی گذاشت مادر زندگی کمبودی داشته باشیم. در این سال ها دختر خاله ام که در سرخس زندگی می کرد بهترین و صمیمی ترین دوستم بود و من مدام با او به صورت تلفنی در تماس بودم. هر بار هم که به سرخس می رفتیم من فقط در منزل خاله ام می خوابیدم تا بیشتر در کنار «سیمین» باشم. خلاصه تازه دیپلم گرفته بودم که دختر خاله ام با جوانی اهل سرخس ازدواج کرد و ما هم برای شرکت در مراسم عروسی راهی سرخس شدیم. آن روز دوست داماد که به قول معروف ساقدوش او بود توجه مرا به خودش جلب کرد و در یک نگاه به او دل باختم! دختر خاله ام که متوجه این موضوع شده بود با «یاسر» صحبت کرد و فهمید که او نیز به من علاقه مند شده است به همین دلیل تلاش می کرد تا من و «یاسر» را به یکدیگر نزدیک کند! خلاصه پس از گفت وگوی کوتاهی که با هم داشتیم قرار خواستگاری را گذاشتیم ولی پدرم به شدت با این ازدواج مخالفت کرد و خانواده یاسر هم راضی به این ازدواج نبودند، چرا که «یاسر» شغلی نداشت و خدمت سربازی هم نرفته بود ولی مهم تر از آن، این بود که تفاوت هایی را نیز از نظر اعتقادات مذهبی داشتیم و هر دو خانواده نگران این وضعیت بودند. با همه این اختلافات، آن قدر دختر خاله ام و شوهرش از رفتار و اخلاق «یاسر» به نیکی سخن گفتند که در نهایت پدرم رضایت داد ولی حتی به جشن عقد کنان مان هم نیامد!

به هر حال هیچ کدام از این مسائل در تصمیم من خللی ایجاد نکرد و بدین ترتیب من و او زندگی مشترکمان را در مشهد آغاز کردیم.

بالاخره با کمک برخی از اطرافیان «یاسر» او در پالایشگاه گاز سرخس مشغول کار شد به طوری که نیمی از ماه را در سرخس بود و ۱۵ روز هم به مشهد می آمد. بعد از تولد دخترم، ناچار شدیم برای سکونت به سرخس مهاجرت کنیم چرا که تحمل این وضعیت سخت بود. اگرچه دریک آپارتمان کوچک به زندگی مشترکمان ادامه دادیم ولی هنوز هم خانواده «یاسر» با من ارتباطی نداشتند و در واقع روزها را به سختی می گذراندم. در این میان فقط با «نازیلا» رابطه صمیمانه ای داشتم که در واحد آپارتمانی طبقه بالا تر از ما زندگی می کرد. شوهر «نازیلا» راننده کامیون بود ولی متاسفانه سال گذشته به دلیل تصادف در جاده جان خود را از دست داد. در این شرایط پسرم «آراد» هم به دنیا آمد ولی او از همان دوران نوزادی مدام بیمار می شد و یکسره گریه می کرد. هرچه او را نزد پزشکان مختلف می بردم فایده ای نداشت و دلیل گریه هایش را نمی فهمیدم. در همین حال رفتارهای یاسر با من و فرزندانم نیز به کلی تغییر کرده بود و به بهانه های گوناگون مرا کتک می زد و با توهین های زشت آزارم می داد. حالا دیگر بسیاری از شب ها را به خانه نمی آمد و مدعی بود که از گریه های «آراد» خسته می شود! و تحمل ندارد!

من هم دخترم را نزد دختر «نازیلا» می فرستادم تا با او بازی کند اما متاسفانه «نازیلا» هم به دلیل آن که شغلی در بیرون از منزل پیدا کرده بود، خیلی از شب ها در خانه حضور نداشت. با همه این مشکلات، فقط زمانی که «نازیلا» به خانه می آمد نزد او می رفتم و از زندگی مشترکم با «یاسر» گلایه می کردم. «نازیلا» نیز با حوصله به حرف هایم گوش می کرد و دلداری ام می داد که بالاخره در همه خانواده ها این مشکلات وجود دارد و دعوا و مشاجره بخشی از زندگی مشترک است! خلاصه در همین روزها بود که مادرم به طور ناگهانی دچار ایست قلبی شد و از دنیا رفت. من هم به مشهد آمدم و تا برگزاری مراسم چهلم فوت مادرم در مشهد ماندم اما «یاسر» بعد از برگزاری مراسم سوم مادرم، به سرخس بازگشت تا از کار اخراج نشود! بالاخره هنگامی به سرخس بازگشتم که «یاسر» همچنان کمتر به خانه می آمد و من از این موضوع عصبانی بودم. یک روز نزد «نازیلا» رفتم و به او گفتم شماره تلفنی را در گوشی «یاسر» دیدم که گویی با یک زن دیگر ارتباط دارد! به پیشنهاد «نازیلا» با همان شماره تلفن تماس گرفتم اما متاسفانه گوشی او خاموش بود.

این ماجرا به شدت افکارم را به هم ریخته بود تا این که روزی به طور اتفاقی دختر «نازیلا» گوشی مادرش را به من داد تا عکس او را نگاه کنم و لی ناگهان چشمم به پیامک هایی افتاد که «نازیلا» برای «یاسر» ارسال کرده بود. سقف اتاق دور سرم چرخید و تازه فهمیدم که در این مدت که من به چشم خواهری مهربان به «نازیلا» می نگریستم او همان «هوویم» بود که به درد دل هایم گوش می داد و...

گزارش روزنامه خراسان حاکی است، رسیدگی روان شناختی و مشاوره ای به این پرونده با صدور دستوری از سوی سرگرد «جوادیعقوبی» (رئیس کلانتری طبرسی شمالی مشهد) در دایره مددکاری اجتماعی کلانتری آغاز شد.

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

دستگیری عامل حراج مجموعه های آموزشی در فضای مجازی

رئیس پلیس فتای تهران بزرگ از شناسایی و کشف پرونده با موضوع فروش مجموعه های آموزشی یک مؤسسه در فضای مجازی با قیمت های بسیار ناچیز خبر داد.

به گزارش مهر، سرهنگ داوود معظمی گودرزی، رئیس پلیس فتای تهران بزرگ گفت: نماینده حقوقی یک مؤسسه آموزشی معتبر در کشور با مراجعه به پلیس فتا مدعی شد، اشخاصی ناشناس در فضای مجازی اقدام به انتشار و فروش غیرمجاز مجموعه های آموزشی ویژه متعلق به مؤسسه ایشان کرده و موجب وارد شدن خسارت های مادی و معنوی فراوانی به این مؤسسه شده اند.

رئیس پلیس فتای پایتخت ادامه داد: شاکی در ادامه گفت با اطلاع تعداد زیادی از دانش آموزانی که از مجموعه های آموزشی مؤسسه استفاده می کنند متوجه شدیم مجموعه های ما در چندین صفحه اینستاگرامی در حال خرید و فروش است و اشخاصی ناشناس با سوءاستفاده از نام این مؤسسه اقدام به فروش غیرمجاز این مجموعه ها در شبکه های اجتماعی می کنند.

این مقام انتظامی تصریح کرد: کارشناسان پلیس فتای پایتخت اقدامات خود را آغاز کردند و در تحقیقات اولیه مشخص شد بیش از ۲ صفحه اینستاگرامی با بیش از ۶۵ هزار نفر دنبال کننده در این خصوص فعالیت دارند و روزانه تعداد زیادی از مجموعه های آموزشی مربوط به مؤسسه شاکی را با مبالغ ناچیزی در این صفحات به فروش می رسانند.

وی افزود: با اقدامات تخصصی افسران سایبری پلیس فتا ۲ نفر از گردانندگان اصلی این صفحات در فضای مجازی شناسایی شدند و با اقدامات فنی، اطلاعات هویتی و سکونتی متهمان به دست آمد و پس از تشریفات قضایی هر ۲ نفر در یکی از مناطق تهران دستگیر و

به همراه تجهیزات الکترونیکی به پلیس فتا منتقل شدند.

این مقام مسئول خاطرنشان کرد: متهمان با انتقال به پلیس فتا، پس از مواجهه با شاکی ضمن پذیرفتن بزه انتسابی گفتند با توجه به معروف بودن این مؤسسه آموزشی در این زمینه صرفاً با انگیزه کسب مال دست به این اقدام زدیم.

زمین، خانواده ای را در پارک سیمرغ بلعید

آتش نشانان سمنان اعضای خانواده ای را که در چاه پارک سیمرغ سقوط کرده بودند، نجات دادند. به گزارش باشگاه خبرنگاران جوان، رئیس سازمان آتش نشانی و خدمات ایمنی سمنان گفت: این چاه، ناگهانی و بر اثر نشست زمین در پارک سیمرغ سمنان ایجاد شد و سه عضو خانواده مسافری که پس از خوردن صبحانه در حال عبور از آن محل بودند در آن سقوط کردند. رضا رهایی افزود: صبح دیروز با اعلام این حادثه بلافاصله آتش نشانان ایستگاه های یک و ۲ سازمان آتش نشانی به محل اعزام شدند و مشاهده کردند پدر و دختر خردسال خانواده در ابتدای دهانه چاه هستند که به سرعت خارج شدند، ولی مادر خانواده که بانویی ۲۵ ساله بود به قعر چاه ۱۵ متری سقوط کرده بود که آتش نشانان با استفاده از ابزار نجات، وی را هم زنده از چاه خارج کردند و تحویل عوامل اورژانس دادند. علت نشست زمین در دست بررسی است.

آتش سوزی هولناک فروشگاه لوازم آشپزخانه در جنوب تهران

یک فروشگاه لوازم آشپزخانه در جنوب تهران در آتش سوخت. به گزارش ایسنا، وقوع حادثه آتش سوزی در یک فروشگاه لوازم آشپزخانه حوالی ساعت ۱۰:۳۰ صبح دیروز به سامانه ۱۲۵ اطلاع داده شد که در پی آن بلافاصله ستاد فرماندهی آتش نشانان، ایستگاه های ۱۳۳، ۳۵ و ۴۷ را به همراه خودروهای پشتیبانی به محل حادثه واقع در صالح آباد غربی، خیابان شهید کلهر اعزام کرد.

در ادامه و با حضور عوامل آتش نشانی در محل مشاهده شد که آتش سوزی در طبقه همکف یک فروشگاه لوازم آشپزخانه به مساحت حدود ۲۵۰ متر مربع رخ داده و شعله های آتش به انبار

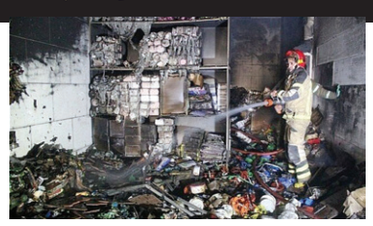

فروشگاه در طبقه بالایی نیز سرایت کرده بود. در همین راستا، آتش نشانان اقدام به قطع جریان اصلی برق و گاز کردند و با استفاده از لوله های آب رسانی موفق شدند مدتی بعد نیز شعله های آتش را به طور کامل اطفا کنند. بر اساس اعلام آتش نشانی تهران این حادثه خسارت جانی نداشت، اما به اقلام موجود در این فروشگاه خسارت هایی وارد شده است. علت حادثه نیز از سوی کارشناسان آتش نشانی در حال بررسی است.

صفحه آرایی
واحد صفحه آرایی روزنامه خراسان
سفارش می پذیرد
۰۵۱۳۷۰۰۹۳۹۰
layout@khorasannews.com

مناقصه عمومی یک مرحله ای

فراخوان احداث یک باب خانه بهداشت تیپ ۴۶۰ متری در روستای بزد و احداث یک باب خانه بهداشت تیپ ۴۶۰ متری در روستای علی آباد

دانشکده علوم پزشکی تربت جام در نظر دارد فراخوان احداث یک باب خانه بهداشت تیپ ۴۶۰ متری در روستای بزد و احداث یک باب خانه بهداشت تیپ ۴۶۰ متری در روستای علی آباد خود را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به شماره فراخوان ۲۰۰۱۰۹۱۲۱۹۰۰۰۰۱۷ و ۲۰۰۱۰۹۱۲۱۹۰۰۰۰۱۸ برگزار نماید.
کلیه مراحل برگزاری فراخوان از دریافت و تحویل اسناد فراخوان تا بازگشایی پاکت ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد.
متقاضیان شرکت در فراخوان در صورت عدم عضویت در سامانه، نسبت به ثبت نام و دریافت گواهی امضای الکترونیکی (به صورت برخط) برای کلیه صاحبان امضای مجاز و مهر سازمانی اقدام لازم را به عمل آورند.
مواعد زمانی:
* تاریخ انتشار فراخوان: ۱۴۰۱/۱۰/۱۳ * مهلت دریافت اسناد فراخوان: ۱۴۰۱/۱۰/۲۵
* مهلت ارسال پیشنهادات: ۱۴۰۱/۱۱/۶ * زمان بازگشایی پاکت ها: ۱۴۰۱/۱۱/۸
* نوع و مبلغ تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار: ضمانت نامه یا فیش بانکی
* اطلاعات تماس و آدرس دستگاه: خراسان رضوی - تربت جام - خیابان بهشتی - دانشکده علوم پزشکی تربت جام ۰۵۱۵۲۵۲۸۴۰۶
•هزینه درج آگهی به عهده برنده مناقصه می باشد.
۱۴۰۱۰۰۱۳۳۱/ش

اطلاعیه مهم
شرکت آب منطقه ای خراسان رضوی

نجات آب در گرو آگاهی و حضور همگانی

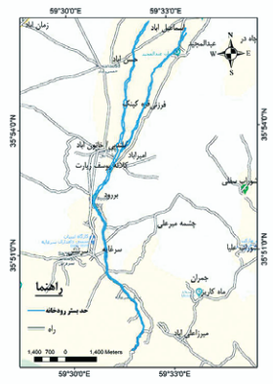

این شرکت در راستای اجرای ماده ۳ آیین نامه مربوطه به نحوه تعیین بستر و حریم رودخانه ها، انهار، مسیلها و سایر مجاری آبی مبادرت به تعیین حد بستر و حریم بخشی از **رودخانه سرغایه به طول تقریبی ۲۳ کیلومتر واقع در حوزه شهرستان مشهد** (مطابق با کروکی) نموده است. لذا بدینوسیله به اطلاع کلیه اشخاص ذینفع و مجاورین می رساند برای کسب اطلاع از حد بستر و حریم رودخانه/مسیل-های یادشده به امور منابع آب شهرستان مشهد واقع در شهر مشهد، بلوار شهید صادقی، شهید صادقی ۱۴، امور منابع آب مشهد، مراجعه نمایند و چنانچه اعتراضی نسبت به میزان بستر و حریم رودخانه های مذکور داشته باشند، می توانند (حداکثر ظرف مدت یک ماه) از تاریخ انتشار این اطلاعیه اعتراض خود را به دبیرخانه آن امور به نشانی فوق الذکر تسلیم و رسید دریافت دارند. بدیهی است به اعتراضات واصله پس از انقضاء مهلت قانونی به هیچ وجه ترتیب اثر داده نخواهد شد.

روابط عمومی شرکت آب منطقه ای خراسان رضوی - سامانه پیامکی ۳۰۰۰۶۳۹۴ و تلفن گویا ۳۱۴۳۵
۱۴۰۱۰۰۱۵۲۹/م

آگهی مزایده فروش (نوبت دوم)

یک شرکت معتبر ساختمانی در نظر دارد نسبت به فروش تعداد محدودی زمین با کاربری مسکونی واقع در مشهد، اراضی نادر شهر از طریق مزایده اقدام نماید. متقاضیان میتوانند جهت کسب اطلاعات بیشتر و اخذ برگ شرایط شرکت در مزایده حداکثر تا تاریخ ۱۴۰۱/۱۰/۱۴ به آدرس مشهد- بزرگراه امام علی- بلوار شهید رفیعی- شهید رفیعی یک- پلاک ۴ با شماره تلفن ۳۵۲۱۹۵۲۷ -۰۵۱ و یا با دفتر مرکزی شرکت به نشانی تهران- خیابان شهید استاد مطهری- بین خیابان شهید علی اکبری و سهروردی پلاک ۱۲۱ با شماره تلفن ۸۶۰۴۳۴۹۸ -۰۲۱ مدیریت امور بازرگانی و سرمایه گذاری تماس حاصل فرمایند
۱۴۰۱۰۰۱۰۶۰/ف